

سعادت فرد، سلامت جامعه

در خطبه متقین

حسین صفری تبار

زمستان ۸۹

سرشناسه : صفری تبار، حسین، ۱۳۳۵
 عنوان قراردادی : نهج البلاغه، خطبه همام، فارسی - عربی، شرح،
 عنوان و نام پدیدآور : سعادت فرد، سلامت جامعه در خطبه متقین (حسین صفری تبار،
 مشخصات نشر : تهران: ایده نو، ۱۳۸۹.
 مشخصات ظاهری : ۳۲۸ ص.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۳۷۹-۴-۷
 وضعیت فهرست نویسی : فیا
 یادداشت - کتابنامه: ص. [۳۳۳] - ۳۳۴.
 موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. -- خطبه ها
 موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق.، نهج البلاغه، خطبه همام -- نقد و تفسیر
 موضوع : نقد
 شماره الزوده : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق.، نهج البلاغه، خطبه همام، شرح
 رده بندی کنگره : ۲۸۱۰۴۲۲BP / ص ۱۳۸۹ رده بندی دیویی : ۲۹۷۹۵۱۵
 شماره کتابشناسی ملی : ۲۶۲۳۳۲

■ ناشر: انتشارات ایده نو

■ نام کتاب: سعادت فرد، سلامت جامعه در خطبه متقین

■ نویسنده: حسین صفری تبار

■ ویراستار: مجید قدیمیاری

■ طراح جلد: امیر رجایی

■ نوبت چاپ: اول - زمستان ۱۳۸۹

■ شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

■ قیمت: ۶۰۰۰ ریال



تهران، میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، کوچه نوروز، پلاک ۷

تلفن: ۶۶۴۱۴۴۱۵ - نمابر: ۶۶۹۶۰۸۳۵

کد پستی: ۱۳۱۴۶۸۴۶۳۳ - صندوق پستی: ۱۳۱۴۵-۱۷۷۵

www.newideabook.com info@newideabook.com

فهرست

مقدمه ناشر.....	۱۱
مقدمه مؤلف.....	۱۷
تاریخچه خطبه.....	۱۹
اهمیت خطبه.....	۲۱

فصل اول

۱- درخواست همام.....	۲۵
۲- بی‌نیاز مطلق.....	۳۸
۳- خدواند رزاق.....	۴۱
۴- میزان الهی.....	۵۰

فصل دوم

۵- زبان، اساس تقوا.....	۵۵
۶- اعتدال در زندگی.....	۶۴
۷- تواضع در رفتار.....	۶۷
۸- چشم‌پوشی از حرام.....	۶۹
۹- تقوای گوش.....	۷۳
۱۰- یکسان بودن نعمت و بلا نزد پارسایان.....	۷۶
۱۱- شوق قیامت.....	۷۹

- ۱۲- عظمت معبود..... ۸۵
- ۱۳- مقام شهود..... ۸۸
- ۱۴- حزن متقیان..... ۹۵
- ۱۵- دیگران از شر آنان ایمن می‌باشند..... ۹۸
- ۱۶- زندگی سبکبار..... ۹۹
- ۱۷- حلاوت صبر..... ۱۰۱
- ۱۸- پوسودترین تجارت..... ۱۰۹
- ۱۹- توفیق صبوری..... ۱۱۲

فصل سوم

- ۲۰- شبانه متقین..... ۱۲۳
- ۲۱- قاریان قرآن..... ۱۲۹
- ۲۲- قرآن، درمان دردها..... ۱۳۱
- ۲۳- رهروان شب..... ۱۳۷
- ۲۴- دانشمندانی بردبار..... ۱۴۳
- ۲۵- نیکوکارانی پرهیزگار..... ۱۴۸
- ۲۶- تأثیر تقوا در جسم..... ۱۵۰
- ۲۷- ناراضی از اعمال اندک خویش..... ۱۵۵
- ۲۸- بزرگترین خطر اخلاقی..... ۱۵۹
- ۲۹- از تملق بترسید..... ۱۶۳

فصل چهارم

- ۳۰- اوصاف بیرونی پارسایان..... ۱۷۱
- ۳۱- دور اندیشی..... ۱۷۵
- ۳۲- حریص در علم‌آموزی..... ۱۷۹

۳۳-	رابطه متقابل علم و حلم.....	۱۸۱
۳۴-	قناعت در عین توانگری.....	۱۸۶
۳۵-	تواضع در عبادت.....	۱۸۸
۳۶-	آراستگی در حین نیاز.....	۱۹۱
۳۷-	صبر در سختیها.....	۱۹۴
۳۸-	کسب روزی حلال.....	۱۹۸
۳۹-	نشاط در هدایت.....	۲۰۲
۴۰-	مذمومیت طمع و ورزی.....	۲۰۵
۴۱-	اعمال صالح و خوف الهی.....	۲۰۹
۴۲-	شاکر شامگاهان، ذاکر صبحگاهان.....	۲۱۲
۴۳-	حزن و شادی پرهیزکاران.....	۲۱۸
۴۴-	مراحل تأدیب نفس.....	۲۲۲
۴۵-	شادی ماندگار.....	۲۲۶
۴۶-	تسلط بر نفس.....	۲۲۸
۴۷-	بردباری و عملگرایی.....	۲۳۲
۴۸-	نفسهای قانع.....	۲۳۵
۴۹-	خیر و شر در آئین پرهیزکار.....	۲۴۴
۵۰-	ذکر و یاد خدا.....	۲۴۹
۵۱-	اهل فضل در قیامت.....	۲۵۲
۵۲-	دوری از گفتار نادرست.....	۲۵۵
۵۳-	متانت در کلام.....	۲۵۸
۵۴-	تندیس خوبیها.....	۲۶۲
۵۵-	تجسم امنیت.....	۲۶۴

۲۶۶	۵۶- شکوه صبر
۲۷۳	۵۷- سمبل عدالت طلبی
۲۷۷	۵۸- امانتداری
۲۸۲	۵۹- آداب معاشرت
۲۸۴	۶۰- همسایه‌ای بی‌آزار
۲۸۷	۶۱- سکوت حکیمانه
۲۹۲	۶۲- ادب خندیدن
۲۹۷	۶۳- شکایا در برابر ظلم
۳۰۱	۶۴- مایه آرامش مردم
۳۰۸	۶۵- پرهیز از تکبر و بزرنگ

فصل پنجم

۳۱۳	تأثیر پند و اندرز در جان پرهیزکاران
۳۱۵	سرانجام هم‌نام
۳۱۹	واژه‌نامه
۳۲۴	فهرست منابع

مقدمه ناشر

انسان به وسیله دو بال صعود می‌کند، علم و ایمان.
علم، وی را بر طبیعت مسلط می‌سازد و ایمان بر خویشتن.

جهان لایتناهی با همه شگفتیها و تکثر و تنوع، کهکشان‌ها، کرات،
آسمان و زمین، جماد و جاندار، گیاه و جانور در انواع و گونه‌های فراوان،
کران در کران و رنگ در رنگ بر قاعده و نظامی تعیین شده، تعدیل
گردید و در تغییر و تحولی مدام، ثبات و استمرار یافت.

در میان غوغای این بینهایت خلق عظیم، از جماد و نبات و حیوان،
موجودی خود را نگریست، شرم کرد و پوشش اختیار کرد. اطراف خود را
دید، کوه و دشت، درختان، دریا، زمین و آسمان و... شگفت زده شد، به
هیجان آمد، کنجکاو شد، بیشتر یافت، از پس هر یافتنی احساس لذت
و غنا کرد و در هر لحظه‌ای پس از لحظه‌ای دیگر چون دوایر
متحدالمرکزی که یکی پس از دیگری از فرود سنگ در آب ایجاد
می‌شود، دریافتهایش مبنای دریافتهای دیگر گردید.

پرنده دید؛ آرزوی پرواز کرد. مشاهده آبریان وی را به جستجو در عمق
دریا ترغیب نمود و وحشت از حوادث طبیعی او را در پی چاره کرد. از
خورشید، ماه و ستاره افسانه ساخت. هر روز با بیشتر وسعت یافتن شعاع

نگاهش که به تعمیق اندیشه و کشف و اختراعی جدید می‌انجامید، به بازسازی مکرر دریافته‌هایش پرداخت. باورهایش را بازخوانی و اصلاح نمود. آری، انسان این موجود متفکر و انتخابگر در مسیر حیاتش و با وسعت روزافزون نگاهش، با میل وافر به شناخت و تسخیر هر چه بیشتر جهان، بی‌امان از چالش در دریافته‌ها و کشف و خلق جدید و بازخوانی مداوم باورهایش لحظه‌ای متوقف نگردید. آری، از میان این همه مخلوق، تنها این انسان است که از فهم این همه پیوستگی در اجزای هستی متحیر گردیده به وجد می‌آید و تخیلات و حالات روحی خود را در قالب تصویر، کلمات و جملات ریخته، تعجب می‌کند، لذت می‌برد، تشریح می‌کند، امیدوار می‌شود و هر لحظه در پس لحظه پیش بیشتر تسلط می‌یابد و امروز شاهد سرعت فزاینده تسخیر و اشراف روز افزونش بر طبیعت می‌باشیم.

اما چرا این سرعت شگفت‌آور در مسیر تاریخ علمی زندگی انسان همواره توأم با قتل و خونریزی و غارت بوده است، موضوعی است که پیوسته مورد کنکاش حکیمان و دانشمندان در هر زمان و مکان بوده است. انسان با همه قدرت اندیشه و تفکر دارای تمایلات غریزی و نفسانی می‌باشد که در وضعیت متعادل چون به سوی افراط گراید، نه تنها خود در بند آنها گرفتار می‌شود که چون گرفتار آمد با استفاده از همان اندیشه و تفکر همه را مصلوب و بنده خویش می‌خواهد تا با اعمال حاکمیت خویش به رضایت مطلق نائل آید. ویژگیهای فردی، چون میل به تکامل و افزون‌طلبی، غرور، تکبر و ... در حالت برون رفت از تعادل و تقوی به بروز خصلت‌های حرص، حسد، کینه، نفرت و ... می‌انجامد و موجب می‌گردد که انسان در مسیر زندگی فردی و اجتماعی خود دست

به انحصار زده و به میزان برخورداری از توان هوشی و امکانات متفاوتی که بنا به دلایل مختلف در اختیار دارد برای رسیدن به امیال خود با بهره‌گیری از راه‌ها و شگردهای متفاوت، دیگران را با هر آنچه در اختیار دارند، به خدمت درآورده، گستره زندگی را به نفع خویش تغییر داده و برای رسیدن به تمایلات و خواسته‌هایش که از محدودیتی برخوردار نیست، حتی به نابودی کشاند.

چنین فرد یا افرادی با اتکا به قدرتی که در اختیار دارند، تعادل جامعه را مختل نموده با کبر و غرور و تحمیل خود به دیگران - از خانواده تا جوامع بزرگ و بزرگتر - عوامل ناهنجاری را موجب گردیده، تشدید می‌نمایند.

عده‌ای ضعیف و محروم و عده‌ای قوی و برخوردار می‌شوند. دین، هنر، علم و تکنولوژی را در خدمت اهداف شخصی و فرقه‌ای درآورده، با اعمال قدرت و زور و حيله و تزویر به بهره‌کشی از دیگران می‌پردازند. بی‌عدالتی و فقر را دامن زده و کرامت انسان را پایمال امیال و هوسهای خود می‌نمایند. حکیمان و اندیشمندان علت این همه تعدی در جامعه را که به تحقیر و تضعیف عده‌ای و برتری و غرور و افتخار عده‌ای دیگر می‌انجامد، فقر معنوی و عدم تربیت اخلاقی و دینی که موجب غفلت از خویشتن است، می‌دانند و انسان را به تامل در خویش و تربیت و تسلط بر نفس از طریق تزکیه و عبادت آگاهانه می‌خوانند.

عبادت آگاهانه و تکرار مکرر آن، فرمان الهی و مبتنی بر نیاز فطری انسان برای جلوگیری از سرکشی، غرور، تکبر و تسلط بر خویشتن است. لذا مولوی حکیم و عارف بزرگ اسلامی چنین می‌گوید:

یا رب تو مرا به نفس طناز مده
با هر چه به جز توست مرا ساز مده

من در تو گریزان شدم از فتنه خویش
من آن توام مرا به من باز مده

مسیر انسان به سوی پیشرفت علمی نه تنها هرگز متوقف نگردیده، بلکه همواره سرعت فزاینده داشته و خواهد داشت. اما حرکت وی به سوی تعالی پیوسته در معرض سقوط بوده، هست و خواهد بود. انسان پیوسته در خطر تمایل به سوی خودخواهی، شهوت‌رانی، طمع‌ورزی، جاه‌طلبی و قدرت‌طلبی بوده و هست و به نسبتی که قدرت سیاسی، علمی و مالیش افزایش می‌یابد، خطر گرفتار شدن در سیاهچال نفس‌ناتش بیشتر و بیشتر می‌شود که نهایتاً این خطر متوجه دیگران و گریبانگیر جامعه خواهد شد.

و اینجاست که امام علی (علیه السلام)، این انسان کامل، از قول پیامبر گرامی می‌فرماید:

«... گرداگرد بهشت را دشواریها و گرداگرد دوزخ را هوس دنیا فرا گرفته است». سپس می‌فرماید:

«رحمت خداوند بر کسی که شهوت خود را مطلوب و هوای نفس خود را سرکوب کند زیرا خودداری و پیروی نکردن از هوای نفس و شهوات، کاری است مشکل و هوای نفس پیوسته انسان را در آروزی باطل به سوی خود می‌کشاند».

«بدانید بندگان خدا، انسان با ایمان، شب را به روز و روز را به شب نمی‌رساند، جز آنکه به نفس خود بدگمان است و از خویشتن ناراضی و همواره نفس خود را سرزنش می‌کند.» «قسمتی از خطبه ۱۷۶ نهج‌البلاغه»

درپوش سلاح، وقت جنگ است ای جان
اندیشه مکن که وقت تنگ است ای جان
بگذر ز جهان که جمله رنگست ای جان
هر گوشه یکی موش و پلنگ است ای جان
«مولوی»

امام علی (علیه السلام) نقطه حساس مشکلات فرد و جامعه را سقوط
انسان در نفسانیات و شهواتش می داند.

نفس اژدهاست او کی خفته است از غم بی آلتی افسرده است
«مولوی»

و همچنین تربیت فردی را مورد تامل قرار می دهد و مراقبت فرد را به
خودش می سپارد و او را به حفظ خویشتن توصیه می نماید و اشعار
می دارد که:

« به حساب خود برسید قبل از آنکه به حساب شما رسیدگی کنند.»
خطبه همام و گفتار امام علی (علیه السلام) بالاترین و کامل ترین رهنمود
و درس زندگی برای هدایت همه انسان ها در طول تاریخ می باشد. به
طور قطع و یقین اگر بشر امروز همین یک خطبه را سرلوحه زندگی و
رفتارهای فردی و اجتماعی خود قرار دهد، دنیایی متفاوت از آنچه
هست، خواهد داشت.

انتشارات ایده نو شکرگزار خداوند متان است که توفیق یافته شرح و
نشر این پیام گوهربار را که ارمغانی است برای نوع بشر به انجام رساند.
امید که در رفتار و کردار، نصب العین ما بوده و مرضی خداوند سبحان
واقع شود.

در اینجا لازم است از استاد فرزانه و برادر گرامی جناب آقای حسین صفری تبار که شرح این خطبه گرانمایه را برای نشر و چاپ در اختیار ما قرار دادند، کمال سپاس و تشکر را بنمائیم.

همچنین از همه کسانی که در کار حروفچینی و ویراستاری و سایر مراحل چاپ و نشر زحمات زیادی را متقبل شدند، به ویژه دوستان بزرگوارم، آقایان جواد طیبی و مجید رضائی، نهایت تقدیر و تشکر را به عمل می‌آورم. به امید روزی که همه انسان‌ها در سراسر کره خاکی، علی (علیه السلام) را بشناسند و از نور کلمات گوهرها را ایشان بهره بگیرند.

آمین یا رب العالمین

انتشارات آینده نو

اسفند ۱۳۸۹

مقدمه مولف

چرا نهج البلاغه؟

یا علی گفتیم و عشق آغاز شد.
یا علی! قلم در دست می گیریم و بر صفحه کاغذ می فشاریم اما چگونه
می توان بزرگی تو را توصیف کرد که خداوند تو را علی نام نهاد.
خداوند تو را با عظمت آفرید و رسول الله با عشق پرورید و باری تعالی
بی کران حفاظت نمود.
تو یگانه دورانی! چه در آفرینش و چه در تولد، چه در محضر استاد
خویش و چه در شاگرد پروریدن.
تو پیدا و پنهان عالمی همچون آفریدگارت
چگونه شکر محبت تو را به جا آوریم؟ چگونه پیشانی ذلالت در پیشگاه
معبود تو بر خاک ساییم که تو را و اولاد تو را برای ما صراط مستقیم قرار داد.
تو را علی می نامیم چون خدا و رسول تو را علی نامیدند.
خجسته باد نام زیبایت.
یا علی دعايمان کن که محتاجيم. ما را در سایه سار مهربانیت مقیم
گردان که دری دیگر نمی شناسیم.

گفته می‌شود که هر انسانی در مدت عمر خود رسالتی دارد که باید آن را به انجام برساند خوشا به حال آنان که رسالتی الهی بر عهده‌شان گذاشته شده است.

و در این میان رسالت اندیشمندان و عالمان، بسی سنگین و طاقت فرساست و به راستی که اندیشمندان و عالمان آخرالزمان برتر از انبیای قوم بنی‌اسرائیل‌اند.

در این میان شخصیت جامع و وارسته ای همچون سید رضی (رحمه الله علیه) دارای امتیازات و برجستگی‌های خاصی می‌باشد و ایشان با سعه وجودی فراوان و ژرف نگری عمیق، دست به تألیفاتی زدند که عمده‌ترین این آثار کتاب شریف نهج البلاغه می‌باشد که در روایات از آن به «خ القرآن» تعبیر شده است.

بر ماست که این اثر را بیشتر شناخته و هر چه بیشتر در زدودن غبار غربت از چهره این اثر گرانسنگ شیعه تلاش کنیم.

دروود بی کران الهی بر پیامبر و آل اطهرش، بر همه اندیشمندان و عالمان شیعه به خصوص سید رضی (رحمه الله علیه).

تاریخچه خطبه

این خطبه که به نام خطبه همام معروف شده است، اوصاف پارسایان است، که با روایات گوناگونی در مراجع و کتب تاریخی و حدیثی نقل شده است.

سند این خطبه فقط به نهج البلاغه سید رضی (رضوان الله علیه) بر نمی‌گردد، بلکه در آثار متعدد شیعه و سنی آمده است؛ از جمله کسانی که این خطبه را پیش از جمع نهج البلاغه، در کتاب خود آورده‌اند، شیخ صدوق در کتاب «مالی»، صفحه ۳۴۰ و ابن شعبه حرانی، در کتاب «تحف العقول» صفحه ۱۵۹ است.

از دیگر منابعی که، به نقل این خطبه پرداخته است، کتاب «سلیم ابن قیس هلالی» از ابان ابن ابی عیاش است.^۱ قبل از شیخ صدوق «ابن قتیبه» قسمتی از این خطبه را در کتاب «زهد»^۲ آورده است. در تحف العقول نامی از همام برده نشده است. اما بیشتر شارحان نهج البلاغه همام بن شریح بن یزید را، از شیعیان و دوستان امام دانسته‌اند. ابن طلحه شافعی در کتاب «مطالب السؤل» داستانی را به

^۱ کتاب «سلیم ابن قیس هلالی» صفحه ۲۱ از ابان ابن ابی عیاش است.

^۲ کتاب زهد از کتاب «عیون الاخبار» جلد ۲، صفحه ۲۲۵ آورده است.

این مضمون نقل می‌کند که: «روزی امام علی (علیه السلام) موقع خروج از منزل با گروهی برخورد می‌کند و از ایشان می‌پرسند: که هستید؟ جواب می‌دهند که از شیعیان شما هستیم. امام می‌فرمایند:

من در چهره شما نشان شیعیان خود را نمی‌بینم. آنان شرمگین می‌شوند، یکی از آنان از امام می‌پرسد: نشان شیعیان شما چیست؟ امام سکوت می‌کند بعد همام که مردی عابد بوده، امام را سوگند می‌دهد که آن نشانها را باز گوید. امام این خطبه را آنجا بیان می‌دارند.» در داستان مذکور نام وی «همام بن عباد خثیم» ذکر شده است. نه همام بن شریح در حالی که شارحانی چون «ابن ابی الحدید و بحرانی» نام پدر همام را شریح دانسته‌اند نه عباد. در نهج البلاغه هم سؤال همام درباره صفات شیعیان نیست، بلکه درباره صفات پارسایان (مُتَقِین) است. سبط بن جوزی در «کتاب تذکره» و کراچکی در «کنز الفوائد» این خطبه را آورده‌اند، بنابراین سند معتبر این خطبه به آثار و تألیفات قرن سوم نیز برمی‌گردد و به تواتر از شیعه و سنی نقل شده است. مرحوم کلینی، روایت دیگری از این خطبه را تحت عنوان «نشانه‌های مؤمن» به نقل از امام صادق (علیه السلام) آورده است.^۱

همام از ماده هم به معنای غم و اندوه می‌باشد. به معنای کسی که، دارای اراده و اختیار است نیز، آمده است. شهید مطهری، همام بن عباد بن خثیم را برادر خواجه ربیع مدفون در طوس می‌داند. استاد شهید، خواجه ربیع را از امیران جنگی معرفی کرده است، که در مسائل پیش آمده در زمان خلافت امام علی (علیه السلام) (گویا جنگ جمل بوده

^۱ اصول کافی، کتاب کفر و ایمان، باب المؤمن و علاماته و صفاته

است.) قدرت درک و تحمل و هضم مسائل را نداشت و به دلیل عدم امام‌شناسی قوی دچار تردید شد. امام نیز که وی را متزلزل دید برای حفظ خدمات گذشته او و جلوگیری از انحرافش او را، که مردی زاهد و اهل عبادت بود به سرحدات فرستاد تا عدم معرفتش نسبت به امام او را دچار خیانت نکند.

اهمیت خطبه

این خطبه در مورد مطالب متفاوتی بحث دارد؛ مسائل فردی، اجتماعی، علو شأن و مقام پرهیزگاران، معارف الهی، نشانه‌های پرهیزگاران و ... که در پایان خطبه نیز به ماجرای مدهوش شدن همام پس از شنیدن خطبه اشاره می‌شود. که این، خود از اهمیت فرازهای خطبه و تأثیرگذاری کلمات و جملات حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) خبر می‌دهد.

بررسی و شناخت اوصاف پرهیزگاران بر هر مسلمانی فرض است. چرا که هر مدعی تقوایی، باید از نشانه‌های تقوا خبر داشته باشد تا خود را با میزان و ترازوی کلام معصوم (علیه السلام) بسنجد و در جهت تکامل ایمان و تقوای خود قدم بردارد.

هر که خود را شیعه علی و اولاد علی (علیه السلام) می‌داند باید خود را با سخنان آن سرور یگانه که خود مصداق اتم و اکمل این خطبه است تطبیق دهد و اعمال و صفات خود را به پیشگاه امام خود عرضه کند، تا امکان اصلاح و جبران و تکامل قبل از انتقال به سرای دیگر و از دست رفتن فرصتها وجود داشته باشد. این خطبه یک دوره آموزش اخلاق

کامل اسلامی است، که هم فرد را در جامعه اداره می‌کند و هم دین و دنیای او را آباد می‌کند.

با بررسی اوصاف متقین، که از لسان مبارک حضرت امیر علیه السلام آمده است، تربیتی جامع حاصل می‌آید، که هم بهره‌برداری از نعمات دنیایی را در بردارد و هم نتیجه شیرین رضوان الهی و بهشتی شدن را نوید می‌دهد.

این خطبه علاوه بر اینکه شامل روش سیر و سلوک و پله‌های معرفت و عرفان می‌باشد، یک دوره علی‌شناسی نیز می‌باشد و یا بهتر بگوییم این خطبه به نام خود حضرت است؛ زیرا ایشان سرور و سردمدار متقیان جهان از ازل تا به ابد است و هر آنچه همه خوبان دارند علی‌علیه السلام همه را یکجا دارد. در پانزدهم فصلی حضرت به همتام که متن خطبه را تشکیل می‌دهد، اوصاف پارسایان از اصلاح زبان شروع می‌شود و به آیین مردم‌داری ختم می‌گردد.

در واقع راه و رسم مسلمانی است، که آموزش داده می‌شود، به عبارت دیگر خطبه همتام یک دوره کامل اخلاق اسلامی است چرا که مسلمان واقعی از اصلاح زبان خویش شروع می‌کند تا از گناهان کثیری که توسط زبان انجام می‌شود مصون بماند و دیگران نیز از گزند زبان وی آسوده باشند.